



فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم، شماره هجدهم (پاییز و زمستان ۱۴۰۱)

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محسن اکبری شاهرودی

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

Jurisprudential Investigation of the Role of the Expediency in Divulgence of Patients' Secrets

'Ammār Nasrollāhi¹

Abstract

The central role of expediency (Maslahat) in Shia argumentative jurisprudence (Feqhe Estedlālī) is not hidden from anyone, to the extent that many jurists consider rulings sequences (Tābe') of benefits and detriments (Masāleb wa Mafāsed). One of the important areas of influence of expediency-oriented jurisprudence is the area of newly emerging issues of medical jurisprudence (Feqhe Pezeshki), which can overcome the challenges facing this field.

The function of expediency in the conflict between keeping the patient's secrets and respecting the important and emphasized interests of the Shari'a is one of the issues that requires proper reflection and research in this field. It is an issue that has not been seriously addressed in the field of medical jurisprudence. In this article, relying on the descriptive-analytical method and using the inferential and ijihad style, the conflict between expediciencies is analyzed to identify the cases that have more important criteria than protecting the privacy of the patient, cases such as preventing the spread of the disease, consultation about the characteristics of people, pre-marital tests, witness in courts, preventing crime, doctor's defense of his practice, educational and research purposes.

Keywords: Expediency, Conflict, Privacy, Confidentiality, Patient, Disclosure of Secrets.

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال نهم، شماره هجدهم (پاییز و زمستان ۱۴۰۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

بررسی فقهی نقش مصلحت در افشای اسرار بیماران

عمار نصراللهی^۱

چکیده

نقش محوری مصلحت در فقه استدلالی شیعه بر کسی پوشیده نیست تا جایی که بسیاری از فقیهان، احکام را تابع مصالح و مفاسد می‌دانند. یکی از ساحت‌های مهم تأثیرگذاری اندیشه فقه مصلحت‌محور، حوزه موضوعات نوپیدای فقه پزشکی است که می‌توان بر چالش‌های فراروی این عرصه فایق آمد. کارکرد مصلحت در تزامم بین حفظ اسرار بیمار و رعایت مصالح مهم و مورد تأکید شریعت، از جمله مسائلی است که نیازمند تأمل و تحقیق شایسته در این حوزه می‌باشد. مسأله‌ای که تاکنون به صورت جدی در حوزه فقه پزشکی بدان پرداخته نشده است. در نوشتار حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری کتابخانه‌ای، تزامم بین مصالح مورد تحلیل واقع شده تا مواردی که دارای ملاک‌های مهمتری از حفظ حریم خصوصی بیمار هستند، شناسایی شوند؛ مواردی، مانند جلوگیری از سرایت بیماری، مشورت‌دادن درباره ویژگی‌های افراد، آزمایش‌های قبل از ازدواج، شهادت در محاکم، جلوگیری از ارتکاب جرم، دفاع پزشک از عملکرد خویش، اهداف آموزشی و تحقیقاتی. واژگان کلیدی: افشای اسرار، بیمار، تزامم، حریم خصوصی، رازداری، مصلحت.

مقدمه

با نگاه کلی و همه‌جانبه در روش اجتهادی فقه امامیه در می‌یابیم که عنصر مصلحت حضور جدی و مؤثری در فرایند استنباط احکام دارد. اعتقاد به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلق و جعل، انشاء احکام حکومتی بر اساس نظر حاکم اسلامی، تقدیم اهم بر مهم و مهم بر غیر مهم در باب تراحم، همگی گواه این ادعا هستند. البته باید دانست که مصلحت‌اندیشی به معنای منفعت‌گرایی و دنیوی‌سازی شریعت به طور کامل با بحث مورد نظر فاصله دارد به گونه‌ای که نمی‌توان هیچ مذهب فقهی را موافق آن دانست. مصلحت علاوه بر حضور پررنگ در جایگاه تشریع و قانون‌گذاری، در حوزه استنباط‌های فقهی و تعارض احکام به ویژه در قلمرو احکام نوپیدای فقه پزشکی، نیز نقش بسیار قابل توجهی دارد.

«حریم خصوصی بیمار» علاوه بر تأکیدات شرعی در گستره متون فقهی از جمله مسائل مطرح شده در «منشور حقوق بیمار» است و به صورت ویژه در «حق بیمار به افشا نشدن اسرار خود»، مورد بررسی صاحب‌نظران فقه پزشکی قرار گرفته است. هر چند اصل رعایت حریم خصوصی بیمار و محرمانگی اسرار او یک اصل مسلم شرعی و عقلایی است و در قوانین مصوب به آن اهتمام ورزیده شده است؛ ولی در جایی که مصلحت افشای اسرار بیمار و نقض حریم خصوصی او دارای ملاک مهمتری باشد، اصل رازداری تخصیص خورده و مصلحت‌ا‌هم، مورد توجه قرار می‌گیرد.

گفتنی است مصلحت در فقه شیعه بیشتر در مسائلی، همچون جواز استماع غیبت، جواز کذب، مسوغات ولایت جائز، بیع وقف، خراج و مقاسمه، اجرت بر واجبات و جهاد مطرح می‌باشد؛ لیکن به لحاظ پژوهشی این ساحت از مباحث فقه پزشکی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تحقیقات مصلحت‌محور بیشتر در عرصه‌های فقه سیاسی و اجتماعی و فقه تربیتی و خانواده صورت گرفته است؛ که هر چند در برخی موارد به موارد مجاز افشای راز بیمار اشاره شده؛ ولی کمتر آن را از دریچه مصلحت مورد بررسی قرار داده‌اند.

مهمترین پیشنهادها برای بحث عبارتند از:

۱. افتخار دانش‌پور؛ بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با

مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

این نوشتار در حوزه مصلحت‌پژوهی به خوبی مطالب را بیان کرده؛ هر چند بیشتر از فقه اهل سنت استفاده شده است. در بخش مصادیق هم تا حدودی به برخی مسائل اشاره شده است، منتهی نه در حوزه فقه پزشکی، بلکه به صورت کلی، علاوه بر اینکه منابع متنوعی را ارایه نکرده است. بر این اساس مقاله نگارنده از حیث کثرت ذکر مصادیق و مختص‌بودن به حوزه فقه پزشکی و استفاده بیشتر از فقه شیعی، از این مقاله متمایز می‌باشد.

۲. مریم جوادپور، مرتضی طبیبی، مسعود راعی؛ بررسی رازداری پزشکی در فقه و حقوق، فصلنامه حقوق پزشکی، تابستان ۱۳۸۹.

در این مقاله که جنبه فقهی هم لحاظ شده هر چند با نام مصلحت عام و خاص به موارد استثنائات رازداری ورود کرده؛ ولی به تبیین مصلحت نپرداخته و مصادیق را به طور شایسته، مورد جمع‌آوری قرار نداده است و صبغه حقوقی نیز بیشتر از فقهی است.

۳. محمد مهدی مقدادی، محمد حسین دلاوری؛ مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار پزشکی در حقوق ایران و کامن لا، فصلنامه حقوق پزشکی، پاییز ۱۳۹۳.

این مقاله نسبت به مقالات مشابه، مصادیق بیشتری از موارد استثنائات رازداری را بیان کرده؛ ولی اولاً: همه موارد را بیان نکرده است. ثانیاً: جنبه حقوقی دارد. ثالثاً: از دریچه مصلحت وارد نشده است و آن را بحث نکرده است.

۴. علیرضا یزدانیان، مینا عبدالله زاده، رازداری، حق بیمار و مسئولیت مدنی پزشک، فصلنامه اخلاق پزشکی، بهار ۱۳۹۵.

در این مقاله به صورت مختصر و گذرا از برخی مصادیق افشای راز بیمار بحث کرده؛ ولی اولاً: همه موارد بیان نشده است. ثانیاً: از دریچه مسئولیت پزشکی وارد مباحث شده که جزء مباحث حقوقی است. ثالثاً: بحثی از مصلحت به میان نیاورده است. مسأله اصلی این نوشتار پیرامون نقش مصلحت در افشای اسرار بیماران و نقض حریم خصوصی آنان است. با توجه به جایگاه مصلحت در فقه شیعه می‌توان به

مواردی دست یافت که در تراحم بین حفظ حریم خصوصی بیمار و رعایت مصالح مورد تأکید شرع مقدّس، ترجیح به جانب مصالح مهم و دارای اولویت خواهد بود. در این راستا با توصیف و تحلیل داده‌های فقهی و اصولی، نخست به تبیین مفهوم مصلحت و ضابطه تشخیص و انواع آن اشاره می‌شود. در ادامه به تعریف حریم خصوصی بیمار و تبیین ابعاد آن پرداخته می‌شود. پس از آن تراحم و ترجیح مصالح اهم مورد بحث قرار می‌گیرد و بعد از آن، مصادیق مهمی که دربردارنده مصلحت مهمتری از اصل رازداری است که در تراحم با مصلحت حریم خصوصی، جانب موارد پراهمیت مقدم می‌گردد، برشمرده خواهد شد.

۱. مصلحت

از آنجا که موضوع مصلحت در نوشتار حاضر دارای اهمیت به سزایی است و تأثیر فراوانی در استنتاج حکم شرعی افشای اسرار بیماران دارد، مناسب است به آن از زوایای مختلفی پرداخته شود. از این رو لازم است ابتدا مفهوم‌شناسی مصلحت تبیین گردد و در ادامه با معرفی ضابطه تشخیص آن و بر شمردن انواع مصلحت، تصویر درستی از آن ارائه شود.

۱-۱. تعریف مصلحت

ریشه صلح در لغت به معنای ضد و خلاف فساد است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۳) و در بیشتر موارد در حوزه افعال و اعمال استعمال شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۴۸۹) در متون حدیثی مصلحت در دو معنای منفعت مردم و حکمت خداوند استعمال شده است؛ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَامَّةِ. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۸) الْمَصْلَحَةُ الَّتِي عَلِمَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۶۴) مصلحت در دانش فقه و علوم پیرامون آن، معنا و اصطلاح خاصی ندارد و با دقت و تأمل در متون فقهی می‌توان گفت مصلحت بیشتر به همان معنای لغوی و عرفی یعنی منفعت، خیر و ضد فساد به کار رفته است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی در باب صلح و هدنه، جواز آن را منوط به مصلحت مسلمین و عدم جواز را منوط به ضرر بر آنها می‌داند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰) علامه حلی، لازم الوفا بودن شروط

در متن عقد را وابسته به مصلحت و منفعت متعاقدین می‌داند. (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۴) صاحب جواهر نیز به مناسبت‌های مختلف، مصادیق متعددی از مصلحت را بیان کرده است که از مجموع آنها چنین به دست می‌آید که مصلحت به معنای منفعت است؛ به عنوان نمونه عبارت «لتحصیل مصالح المؤمن أو دفع المضار عنه»، برای به دست آوردن مصالح مؤمن یا دفع ضرر از او (نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۱۵، ص ۳۸۰) گویای این مضمون می‌باشد. البته در برخی موارد نیز در معنای حکمت به کار برده شده است. سید مرتضی در باب اوامر پیامبر ﷺ که آنها را همراه با مصلحت و حکمت می‌داند می‌فرماید: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِمَا فِيهِ مَصْلَحَةٌ وَ تَقْتَضِيهِ الْحِكْمَةُ»، پیامبر خدا ﷺ تنها به مواردی امر می‌کرد که دارای مصلحت و مقتضای حکمت بود. (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۴۲) از آنچه گفته شد به نظر می‌رسد تتبع در متون لغوی در ارتباط با این واژه، مثل تتبع در بسیاری از واژه‌های دیگر، حاصلی جز تثبیت همان معنا و مفهوم عرفی آن ندارد. (علیدوست، ۱۳۸۹، ص ۸۳)

۱-۲. ضابطه تشخیص مصلحت

در تشخیص و اعمال و اسناد مصلحت به شریعت، باید دیدگاه شارع را در نظر گرفت؛ زیرا شارع مقدس با توجه به نگرشی که از جهان و ارتباط آن با آخرت و از انسان و هدف خلقت وی دارد، تفسیر خاصی از مصلحت ارائه می‌دهد. این امر مورد غفلت عالمان قرار نگرفته است، شیخ طوسی در مصالحه با کفار و ترک جنگ، مصلحت‌اندیشی حاکم اسلامی را مشروط به ملاحظه احکام شرعی زمان صلح می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۵۲) محمد غزالی می‌گوید: منظور از مصلحت، محافظت بر مقصود شرع است و مقصود شرع از بندگان پنج چیز است: حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال. بر این اساس هرچه متضمن حفظ این پنج امر باشد مصلحت و هر چه باعث فوت این اصول شود مفسده و دفع آن مصلحت است. (غزالی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷) از مهمترین ویژگی‌های مصلحت شرعی، طریق فهم و درک آن است؛ زیرا مصلحت پایه و اساس احکام شرعی است و هنگامی منسوب به شرع می‌شود که یکی از منابع چهارگانه فقه بر آن دلالت کند. هر چند در اینکه مصلحت لزوماً قابل درک باشد هیچ دلیلی وجود ندارد؛ بلکه بالوجدان، حکمت

بسیاری از احکام قابل درک نیست به خصوص بر مبنای مشهور عدلیه که قائل به تبعیت احکام از مصالح و مفسد موجود در متعلق می‌باشند. (علیدوست، ۱۳۸۹، ص ۹۳) در این باب دو اندیشه کلی وجود دارد؛ برخی مصالح و مفسد را تنها از طریق نص شرعی قابل درک می‌دانند و دسترسی عقل به آن را ناممکن تلقی می‌کنند. تمامی اخباریون، مانند ملا امین استرآبادی (استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۷۹) و محدث بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۷) و برخی اصولیان، مانند شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۶۲) و محقق اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۳۰) و محقق خویی (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷۰) از این دسته‌اند. در مقابل این گروه اکثر اصولیان شیعه قائلند که از طریق عقل می‌توان مصالح و مفسد امور را فهمید. (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۳۶؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۴۰)

۱-۳. انواع مصلحت

مصالح مورد نظر شارع به جهت ضعف و قوت و حکمی که مجتهد از جهت اطمینان و عدم آن نسبت به اسناد آن مصلحت به شارع دارد، دارای اقسامی است. لحاظ این اقسام در استنباط حکم به ویژه در وقت تراحم و ناسازگاری مصالح، تأثیر تام دارد. (علیدوست، ۱۳۸۹، ص ۸۷) مصلحت مورد نظر در فقه از جنبه‌های گوناگونی قابل تقسیم‌بندی است. مصلحت عام و خاص که گاهی مصلحت در همه ابواب فقه جاری است و گاه در برخی از فروع آن. (فوزی، ۱۴۲۴ق، ص ۹۸) مصلحت عمومی و شخصی: که در آن گاهی ملاحظه عموم افراد جامعه می‌شود و گاهی محدود به یک شخص. مصلحت قطعی و غیر قطعی: که گاهی ترتب آثار عمل به مصلحت و مفسده قطعی و گاه قطعی نیست بلکه مظنون و مشکوک یا موهوم است. از جهت گستره مصلحت به مصلحت اعم و اضیق و به مصلحت اجتماع و فرد و از جهت ذات مصلحت به مراحل پنج‌گانه و مربوط به حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال و به مراحل سه‌گانه ضروری و حاجی و تحسینی منقسم شده (العالم، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹۰) غزالی در تبیین سه مرحله می‌گوید: ضروریات، اموری مورد احتیاج مردم است که نظام زندگی مردم به آن وابسته است و بدون آن مختل می‌شود و منحصر در حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال می‌باشد. حاجیات اموری است که جهت توسعه و رفع

ضیق وجودشان لازم است و تحسینات و تزیینات مراعات آنها در رسیدن به اخلاق و عادات پسندیده است. (غزالی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۱۶) این کلام غزالی نه تنها از سوی عامه مورد تبعیت قرار گرفته؛ بلکه عالمان بزرگ شیعه از این بیان بهره گرفته و به توضیح آن پرداخته‌اند. به عنوان نمونه شهید اول از آن به مقاصد و ضروریات پنج گانه (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸) و صاحب ریاض از آن به اصول خمس که در هر شریعتی وجود دارد یاد می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۴۳۴)

۲. حریم خصوصی و اسرار شخصی بیمار

حریم خصوصی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین حقوق هر انسانی تلقی می‌گردد و ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با شخصیت او دارد. حق انسان به تنها بودن و با خود بودن، به وسیله دیگران مورد احترام قرار گرفتن و به دور از چشم و نگاه کنترل‌کننده دیگران و رها از تجسس و تفتیش دیگران زیستن، حقی است که لازمه یک شخصیت مستقل به شمار می‌آید. (آقابایی، ۱۳۹۶، ص ۳۵) از دید برخی، حریم خصوصی مفهومی سیال و پویا است که امروزه شامل مصادیق زیادی می‌باشد، از قبیل آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت‌های سمعی و بصری دیگران. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۱) بر این اساس مناسب است ابتدا تعریف درستی از حریم خصوصی بیمار و اسرار او ارایه شود تا بتوان با ابعاد مختلف حریم خصوصی بیمار آشنا شد.

۲-۱. تعریف حریم خصوصی و اسرار بیمار

دهخدا ذیل کلمه حریم می‌گوید: چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان زد و آن را حمایت کنند. این کلمه را به حریم چاه و اطراف آن اطلاق می‌کرده‌اند و سپس جای ممنوع و منهی التقرب را بدین نام نامیدند. هم‌چنین کسانی که عرض شخص به شمار می‌روند حریم نامیده می‌شوند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۰۴) حریم در لغت عرب از ریشه حرم بوده و به دو صورت استعمال می‌شود: الف) مفرد: به معنای شریک و دوست (حسینی واسطی، ج ۱۶، ص ۱۴۳) و چیزی که مس آن حرام است و

نباید به آن نزدیک شد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۲۲) ب) مرکب: گاه به مال و گاه به انسان اضافه می‌شود. در صورت اضافه به مال به معنای اطراف و پیرامون است؛ مثل حریم خانه که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که برای استفاده کامل از خانه به آن نیاز است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۳۳) و در صورتی که به انسان اضافه شود به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۰) با وجود این که واژه ترکیبی حریم خصوصی در متون ادبی و ارباب لغت کمتر استفاده شده است، اما این واژه اصطلاحی است که امروزه به صورت گسترده در محاوره عمومی و همچنین در حوزه‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی و در فضای حقیقی و مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۳۵) در زبان فارسی «راز» به امر نهانی و سری و رمزی و آنچه در دل نهفته باشد و باید پنهان داشت و تنها به افراد مخصوص گفت، اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۱۶۹۸) در زبان عربی معادل کلمه «راز»، واژه «سرّ» است که گفته‌اند: امری است که در نفس انسان مکتوم می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۴) از نظر برخی سرّ عبارت است از امری که معمولاً انگیزه و داعی بر مخفی کردن آن وجود داشته باشد. بنابر این اگر افرادی به ندرت میل به إخفاء امری نداشته باشند و بخواهند آن را آشکار کنند، ضرری به ماهیت سری بودن آن امر ندارد و سری بودن آن را نفی نمی‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۷)

اسراری که پزشک از بیمار خود کسب می‌کند و از آنها مطلع می‌شود، بر دو نوع است: گاهی مربوط به خود بیماری است؛ مانند بیماری‌هایی که پزشک در حین معاینه و آزمایشات جراحی از آن مطلع می‌شود، همچون بیماری‌های جنسی و گاهی مواردی است که پزشک در اثناء گفتگو و سؤال از بیمار کشف می‌کند، مانند برخی از عیوب مادرزادی. (محمود عباسی، ۱۳۸۲، بیماران، ص ۶۷)

۲-۲. ابعاد حق حریم خصوصی بیمار

حق بر عدم افشای اسرار و اطلاعات پزشکی بیماران، یکی دیگر از حوزه‌های مهم حریم خصوصی است که حقی بنیادین و نشأت گرفته از کرامت انسانی و واجد

ارزش اساسی است؛ هر چند مانند بسیاری از حقوق اساسی و بنیادین دیگر نمی‌توان آن را به عنوان حقی مطلق و بدون محدودیت و بدون استثناء دانست. بعد نخست حریم، بُعد فیزیکی است که بیمار را به طور فیزیکی در دسترس دیگران قرار داده که یکی از مظاهر بارز نقض حریم در این حوزه، نمایان شدن بدن بیمار در اتاق جراحی و یا هنگام وارد شدن کادر درمانی و پزشکان یا پرستاران به اتاق بیماران و مواردی از این چنین است. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴)

جنبه دیگر در خصوص حریم بیمار، رعایت محرمانگی در خصوص نوع بیماری، مدت بستری، داروهای مصرفی و نوع و نتیجه آزمایش‌های تشخیصی، خود اظهاری‌های بیمار در خصوص علت مراجعه به پزشک و عوارضی که مصرف دارو یا ماده خاصی در وی ایجاد کرده و طیف گسترده‌ای از مسائل است که بیمار خود یا بنا به درخواست پزشک اظهار نموده و مدارک و مستندات آن نزد پزشکان یا بیمارستان‌ها است. این اطلاعات از سویی اسرار فرد بیمار و امانت نزد بیمارستان است و افشای آن به علت عدم رضایت بیمار نقض حریم خصوصی اطلاعاتی بیمار است و از سوی دیگر، با توجه به تأثیری که افشای این اطلاعات ممکن است روی آینده شغلی یا شغل فعلی وی یا حق بیمه پرداختی یا مسائل دیگر داشته باشد، می‌تواند موجبات ضررهای مادی و مالی متعددی برای فرد گردد. (همان، ص ۱۹۶)

۳. تزامم حریم خصوصی با مصالح مهم عمومی و فردی

۳-۱. مفهوم تزامم

تزامم در برخی موارد ناشی از تضاد متعلق دو حکم است؛ یعنی متعلق دو حکم به صورت اتفاقی در یک زمان جمع شده‌اند، به گونه‌ای که مکلف نمی‌تواند هر دو را بیاورد؛ مثل اینکه دو نفر در حال غرق شدن هستند و نسبت به هر کدام از این دو نفر یک امر (غریق را نجات بده) متوجه مکلف شده و او هم تنها یک غریق را می‌تواند نجات بدهد. گاهی تزامم ناشی از اینکه متعلق یک حکم، مقدمه وجودی متعلق حکم دیگر است. مثل اینکه شخصی در حال غرق شدن است و نجات او متوقف بر تصرف در ملک غیر، بدون اجازه است. اکنون یک امر می‌گوید: غریق را نجات بده؛

ولی امتثال این امر متوقف است بر تصرف در ملک غیر که نهی از آن شده است. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۲۱) به نظر می‌رسد این قسم در تراحم حریم خصوصی بیمار و مراعات مصالح دیگر بیشتر مشهود است، از این جهت که به خاطر حفظ مصلحت‌هایی که اهمیت بیشتری از لزوم رازداری دارند، طبق ضوابط مشخصی ناچار به نقض حریم خصوصی بیمار خواهیم شد. آنچه که در همه اقسام تراحم مهم به نظر می‌رسد تشخیص اولویت‌ها است؛ زیرا اگر یکی از دو واجب، نزد شارع اولویت داشته باشد، بر واجب مزاحم دیگر مقدم است. اولویت، یا از ادله معلوم می‌شود، یا از تناسب حکم و موضوع و یا از شناخت ملاک احکام از طریق ادله نقلی. برخی از این اولویت‌ها عبارتند از:

- الف) اگر حکمی مربوط به حفظ اصل دین باشد، بر هر حکم مزاحمی مقدم است.
 ب) احکام مربوط به حقوق مردم، بر سایر احکام شرعی مقدم هستند.
 ج) احکام مربوط به حفظ جان، آبرو و مال مردم به ترتیب بر احکام بعدی مقدم هستند. (مظفر، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۱۹)

۳-۲. ترجیح مصلحت اهم

اصل رازداری به عنوان یک قاعده پذیرفته‌شده قانونی و شرعی، افشاء اسرار بیماران را غیر مجاز می‌داند. (رک: نصرالهی نیا و قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۱ به بعد و ص ۳۱۹ به بعد) هر چند مواردی وجود دارد که از عموم این قاعده خارج شده و به عنوان استثناء از یک اصل کلی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ تا جایی که طبق قوانین مصوب، گزارش دادن درباره بعضی از بیماران به مراکز بهداشتی، وظیفه لازم الاجراء پزشکان و پرستاران خواهد بود. (جمعی از پزشکان، ۱۳۷۰، ص ۲۲۷) از این موارد به عنوان «علل یا عوامل موجهه» یاد می‌شود، که پزشک مسئولیتی در قبال افشاء اسرار بیمار نخواهد داشت. در برخی کشورها که به «حقوق فردی» اهمیت بیشتری می‌دهند، دایره این استثنائات بسیار محدود است و در کشورهایی که مبانی حقوق بر «مصلحت اجتماعی» استوار است دایره این استثنائات بسیار گسترده‌تر می‌باشد. (دلاوری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱) در فقه شیعه هر چند حقوق فردی و حق الناس دارای اهمیت است؛ ولی در جایی که

پای مصالح اهم در میان باشد، از آن چشم‌پوشی می‌شود. حضرت آیت‌الله خویی در این باره می‌فرماید: در واجبات و محرّمات در جایی که غرض شرعی با مصلحت بیشتری نسبت به احترام مؤمن وجود دارد، باید طبق قوی‌ترین و مهمترین مصلحت عمل کرد؛ چه در حقوق الله و چه در حقوق الناس، بر همین اساس موارد استثنا منحصر در عدد معینی نخواهد بود. (خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۶)

این معنا در فقه تحت عناوین و قواعدی، مثل اهم و مهم^۱، اخف الضررین، اقل القبیحین، دفع افسد به فاسد تبیین می‌شود که بازگشت همه به یک معناست. بزرگان فقه در تراحم بین حرمت کذب و غیبت با منافی، همچون حفظ جان، مال و هر حق دارای اهمیتی، قائل به جواز کذب و غیبت شده‌اند. برای نمونه، شهید ثانی برای احقاق حق الناس قسم به دروغ را جایز می‌داند از باب اینکه از بین رفتن حق کسی قبیح‌تر از قسم به دروغ است؛ پس باید ضرر کمتر را برای دفع ضرر بیشتر مرتکب شد. (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۸۴) شیخ انصاری روایاتی را که برای دفع ضرر بدنی و مالی، دروغ را جایز کرده در حدّ تواتر می‌داند (ر.ک: حرّ عاملی، ج ۲۳: ۲۲۴، الباب ۱۲ من أبواب کتاب الأیمان) و به عنوان یک قاعده کلی می‌گویند: «إِنَّ الضَّرَرَ الْمَسْوَغَ لِلْكَذْبِ هُوَ الْمَسْوَغُ لِسَائِرِ الْمَحْرَمَاتِ.» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۹) که طبق آن هر ضرر شدیدی که مجوز دروغ‌گفتن باشد در سایر محرّمات نیز جاری می‌شود. به تعبیر فقیه معاصر آیت‌الله شبیری زنجانی، بسیاری از معاصی و منکرات از باب دفع افسد به فاسد حلال می‌شود و اگر ملاک مزاحمی محرز شد، مستثنی است. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۰۰۵)

هر چند گاهی تشخیص اهم و مهم، مورد نزاع واقع می‌شود؛ به عنوان نمونه فقیه بزرگ، کاشف الغطاء مذمت کردن اهل و عیال را به جهت تأدیب جایز می‌داند تا در مفسده بزرگتری واقع نشوند. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ص ۵۳) ظاهر کلام ایشان این است که مصلحت تأدیب را به مفسده مذمت ترجیح داده‌اند. محقق قزوینی در نقد می‌گوید: درست است که تأدیب از مصالح اهل و عیال محسوب می‌شود؛ ولی کلام

۱. آیت‌الله خوئی استفاده از این قاعده را در مجوزات غیبت می‌ستاید و ثمرات فراوانی را بر آن مترتب می‌داند. (مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج ۱، ص ۳۳۷)

در اقوی بودن مصلحت آن از مفسده غیبت و اشاعه گناه است؛ زیرا دلیلی عقلی و شرعی بر آن نداریم. بله، تأدیب فقط حسن عقلی دارد که آن هم نمی‌تواند در تزامم با مفسده غیبت و اشاعه گناه مقاومت کند. (قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۸۰) نکته مهم در مواردی که افشای اسرار مجاز می‌شود این است که در تمامی موارد باید غرض و مصلحت تنها با تعیین شخص بیمار تامین شود؛ ولی اگر اهداف مذکور که توجیه‌کننده افشای راز هستند، با عدم تصریح به شخص بیمار قابل دستیابی باشد، نباید راز بیمار را آشکار کرد. (همان، ج ۲، ص ۲۶۸) در این زمینه روایتی وجود دارد که می‌تواند سندی بر ترجیح مصالح اهم بر اصل رازداری محسوب شود. در این روایت که هم از طریق محدثان شیعه (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳) و هم از طرف عامه (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۲۴۷) نقل شده است، پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: مجلس‌ها امانت است مگر در سه مورد: ۱. مجلسی که در آن خونی به ناحق ریخته شده باشد. ۲. جایی که در آن مرتکب زنا شده‌اند. ۳. مجلسی که در آن به ناحق مال حرامی را حلال کنند. با توجه به محتوای روایت، فاش کردن اسراری که مغایر با امانت‌داری مجالس است تنها در سه مورد جایز شده است که عبارتند از شهادت‌دادن و کمک‌کردن برای اثبات جرم مجرم و جلوگیری از پایمال‌شدن حقوق که در فقه از آن به سه حوزه کلان و گسترده «دما و فروج و اموال» یاد می‌شود. اکنون به ذکر مواردی پرداخته می‌شود که در تزامم با حفظ اسرار بیمار، دارای اهمیت بیشتری از دیدگاه عقلی و شرعی خواهد بود.

۱-۲-۳. جلوگیری از سرایت امراض مسری و خطرناک

یکی از مهمترین مصالحی که برای افشای اسرار بیماران می‌شود در نظر گرفت، مقابله با گسترش بیماری‌های مسری و خطرناک در جامعه است، که فرد مبتلا به بیماری مسری را به مراکز درمانی معرفی کرده و یا ساز و کارهایی برای محدود کردن ارتباط با او فراهم شود تا افراد بیشتری مبتلا نشوند. این کار از طرفی به سلامت عمومی مردم کمک می‌کند و از طرف دیگر با کنترل شیوع بیماری، هزینه درمانی کشور را کاهش می‌دهد. آیت‌الله تبریزی در این باره می‌فرماید: «بر پزشک آگاه از بیماری فرد واجب است ضمن رعایت کرامت بیمار، بیماری یاد شده را به

وی و نزدیکانش اطلاع دهد تا از شیوع و سرایت آن به دیگری جلوگیری شود.» (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۴۵) برخی فقها این استثناء را از باب تحذیر و هشدار جایز دانسته‌اند که لازم است مؤمنین را از وقوع ضررهای دینی و دنیوی آگاه کرد و به آنها تذکر داد که از معاشرت با فردی که به آنها ضرر جانی و عرضی و مالی می‌زند پرهیز کنند. (قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۷۰)

بنابراین هنگامی که پزشکی از وجود بیماری واگیردار مهلکی در فرد بیمار اطلاع پیدا می‌کند، برای نجات جان افراد دیگر جامعه واجب است هم به خود بیمار اطلاع‌رسانی کند و هم به اطرافیان او و نهادهای مربوطه را مطلع سازد تا در صورت نیاز، بیمار یا بیماران مبتلا را به محل‌های خاص و قرنطینه منتقل سازند. در قانون مواردی آمده که پزشک و کادر درمانی را موظف به گزارش دادن برخی از بیماری‌ها می‌کند. ماده ۱۹ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی واگیردار می‌گوید: «هر پزشک معالج مکلف است در موقع مشاهده یکی از بیماری‌های واگیر نامبرده فوراً به بهداری اطلاع دهد: ۱. وبا و اسهال‌های وبایی شکل. ۲. طاعون. ۳. تب زرد. ۴. مطبقة (تیفوئید). ۵. محرقه (تیفوس). ۶. آبله. ۷. مخملک. ۸. سرخجه. ۹. حناق (دیفتری). ۱۰. اسهال خونی. ۱۱. سرسام واگیردار (مننژیت). ۱۲. تب عرق‌گزر (سوئت می‌لویر). ۱۳. بیماری‌های مالاریا، فلج اطفال، تب مالت. همین وظیفه برای ماما در مورد تب نفاسی و ورم ملتحمه نوزادان باید رعایت شود.» (اسلامی‌تبار، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳) همچنین در ماده ۱۵ آیین‌نامه بیماری‌های آمیزشی مقرر می‌دارد: «کلیه پزشکان و بنگاه‌های بهداری علاوه بر اقداماتی که برای درمان بیماران می‌نمایند، لازم است حتی المقدور به کشف کانون ابتلاء و عمل مبارزه با بیماری‌های آمیزشی کمک و مساعدت نموده، کوشش نمایند که به وسیله پرسش از بیمار، طرز ابتلاء شخص مبتلاکننده را معین نموده، در صورتی مقتضی نام و نشان صحیح شخص بیمار کننده را با اطلاعات کافی به بخش بیماری‌های آمیزشی بفرستند.» (قچه بیگلو، ۱۳۹۰، ص ۴۴۰)

۲-۳. مشاوره دادن در موارد مهم

افشای اسرار بیمار گاهی به جهت مشورت برای ازدواج و استخدام اتفاق می‌افتد و فرقی بین پزشک و دیگر افراد جامعه وجود ندارد و هر کسی به سهم خود موظف

به دادن مشورت صحیح می‌باشد. وقتی برای ازدواج با فردی از کسی مشورت خواسته می‌شود، فرد مستشار (مشورت‌دهنده) باید هر آنچه درباره خصوصیات فرد مورد نظر شامل اخلاقیات شخصی و خلق و خو و یا نقائص و مشکلات جسمی و روحی که در کیفیت زندگی آینده زوجین می‌داند به مستشیر (مشورت‌گیرنده) بگوید. از این رو اگر فردی دارای نوعی بیماری است که پنهان می‌کند و این بیماری بعداً در طول زندگی مشترک آشکار می‌شود و طرف مقابل را با مشکل مواجه می‌کند، در مقام مشورت واجب است اطلاع‌رسانی شود. این مسأله تحت عنوان «نصح المستشیر»^۱ در موارد مجاز غیبت آمده است. شیخ انصاری علاوه بر مشورت به درخواست متقاضی، مشورت بدون درخواست طرف مقابل را نیز واجب دانسته است و بیان کرده که: اگر کسی بخواهد با زنی ازدواج کند که صلاحیت همسر بودن را ندارد و باعث خراب‌شدن زندگی مشترک می‌شود باید به زوج او، نواقص این زن را تذکر داد. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۱) صاحب جواهر مستند این وجوب را روایات متعدّد در این باب می‌داند که در یک از آنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عیوب افراد را برای فرد مستشیر (درخواست‌کننده مشورت) در قالب مشاوره ازدواج، ذکر می‌کردند. (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۳ق، ج ۲۲، ص ۶۷) برخی فقها، مانند آیت‌الله خویی وجوب نصیحت را تنها در سه مورد تأیید می‌کند: جایی که ترک آن موجب هلاکت انسانی بشود یا حیثیت و آبروی وی از دست برود یا مال زیادی نابود شود. (خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۲)

۳-۲-۳. آزمایش‌های قبل از ازدواج و بارداری

یکی از موارد بحث جواز افشاء سرّ بیماران، آزمایش‌های قبل از ازدواج است که در صورت مشاهده برخی موارد ناهنجاری و اختلالات ژنتیکی در زوجین، باید به طرفین و خانواده‌های آنها گفته شود، هر چند که یک نوع مسئولیت قانونی نیز در این زمینه برای مراکز آزمایشگاهی ژنتیک وجود دارد که در صورت تخلف و اهمال کاری، جریمه و مجازاتی برایشان، در پی خواهد داشت. بیماری‌های وراثتی

۱. مشورت‌دادن به کسی که خواهان آن است.

می‌توانند باعث تهدید سلامت جمعیت فراوانی باشند؛ زیرا در بیشتر موارد درمان خاصی هنوز برای آن بیماری‌ها، پیدا نشده و هزینه‌های دارو و درمان و نگهداری زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کنند؛ اما گاهی به وسیله یک راه ساده در قبل ازدواج می‌توان جلوی شیوع این بیماری‌ها را گرفت. (نصرالهی نیا، قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۴۸۶) برخی از کارشناسان، مراجعه گروه‌هایی از جامعه را به کلینیک مشاوره ژنتیک ضروری می‌دانند، مانند ازدواج‌های فامیلی و یا ازدواج‌های غیر خویشاوندی که افرادی با یک یا چند نوع بیماری ژنتیکی، مانند دیابت، سرطان در خانواده طرفین دیده شده باشد. (فرهود، ۱۳۹۲، شماره ۲۵۶۲۳)

۴-۲-۳. شهادت در دادگاه

از دیدگاه فقه‌های اسلام، شهادت و گواهی دادن بر کسانی که از امری مطلع است و احتیاج به شهادت در آن مورد می‌باشد واجب کفایی است. (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۲۷) در این میان برخی فقها، مانند آیت‌الله خویی قائل به وجوب عینی آن شده و علت آن را هم اطلاق ادله از آیات و روایات دانسته و علت قول وجوب کفایی را که قول اکثر فقهاء است، ناتمام دانسته است. (خوئی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷۱) در نتیجه بر پزشک یا هر فردی در مقام ادای شهادت لازم است در صورت نیاز اطلاعات بیمار را در اختیار محکمه قرار دهد.

به عنوان نمونه راننده اتوبوسی که دارای بیماری صرع است به جهت تصادفی که خسارت جانی و مالی زیادی به همراه داشته است به درخواست شاکیان به دادگاه خوانده شده است. حال اگر مشخص شود که وجود بیماری صرع باعث ناتوانی راننده شده و منجر به تصادف گردیده است، در شناخت متهم حادثه و محکوم علیه کمک شایانی خواهد شد. از همین رو بر پزشکی که از بیماری راننده مطلع است، لازم است شرح حال و پرونده بیمار را در اختیار دادگاه قرار دهد. در مورد دیگر، فردی که دارای بیماری خطرناک و مسری ایدز یا هپاتیت است و بیماری خود را به فردی منتقل کرده که باعث مرگ وی شده است، اگر پزشک شهادت بدهد که فرد ناقل بیماری بوده و در دادگاه اثبات شود که عامل مرگ

متوفی همین علت بوده، با فرد ناقل برخورد قضائی خواهد شد و ممکن است جرم او قتل عمد محسوب گردد.

البته در قوانین موضوعه ایران، برای پزشک یا فردی که شاهد امری بوده است، الزامی جهت ادای شهادت وی در نظر گرفته نشده است؛ ولی قاضی پرونده می‌تواند به علت حرمت شرعی خودداری از ادای شهادت که عواقبی به همراه دارد، به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۱ پزشک را مکلف به ادای شهادت در محکمه می‌نماید، که نتیجه آن افشاء سر بیمار مبتلا به امراض مسری خطرناک است، هر چند به علت الزام محکمه به شهادت، پزشک از مسئولیت کیفری مبری می‌شود. (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰)

۳-۲-۵. جلوگیری از ارتکاب جرم

مطابق دستورات دینی امر به معروف و نهی از منکر بر کسی که توانایی دارد، واجب کفایی است. از طرفی وقوع جرم و بزه در تمامی مراتب جانی و مالی و عرضی از مصادیق بارز منکر است و تمامی کسانی که قدرت جلوگیری آن را دارند، باید به سهم خویش باید از انجام آن جلوگیری کنند. اهمیت این فریضه به اندازه‌ای است که گاهی می‌توان در راستای اقامه آن، برخی موارد مانند غیبت و افشاء سر را مرتکب شد. محقق قزوینی در این باره می‌گوید: «در صورتی که بازگویی عیوب کسی باعث جلوگیری از ترک واجب و انجام حرامی شود جایز و بلکه واجب خواهد بود؛ زیرا مصلحت دفع منکر از مصلحت احترام مؤمن بیشتر است. (قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۷۷) بر همین اساس پزشک مجاز است برای جلوگیری از ارتکاب جرم و جنایت، اطلاعات بیمار را در اختیار نهادهای مربوطه قرار دهد. برای نمونه در صورتی که پزشک بر اساس یافته‌های خود مطلع شد که بیمار قصد خودکشی دارد یا می‌خواهد به دیگران آسیبی برساند باید تمامی تلاش خود را در این زمینه به کار ببندد تا هیچ آسیبی نه به خود بیمار و نه به افراد دیگر وارد نشود. در برخی

۱. اصل ۱۶۷ قانون اساسی از این قرار است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیاورد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

از موارد که جرایم باعث اختلال نظام و امنیت عمومی جامعه می‌شود، قانون‌گذار قانونی را وضع کرده که پنهان کردن چنین مواردی، جرم محسوب می‌شود. در ماده ۵۴۴ قانون تعزیرات آمده: «هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند، از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند، حسب موارد به یکسال تا سه سال حبس محکوم می‌شود.» از این روی اگر پزشکی از وقوع جرمی خبر داشته باشد و آن را مخفی کند، طبق این قانون مجرم محسوب شده و متحمل حبس خواهد بود. این جرم در زمره جرایم عمدی محسوب شده که باید سوء نیت شخص مرتکب ثابت شود. (نصرالهی‌نیا، قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۴۷۹)

۳-۲-۶. اثبات و کشف جرم یا تبرئه از آن

اطلاعات موجود در مدارک پزشکی بیمار می‌تواند جرمی را ثابت یا رد کند که بر این اساس در روند بررسی و تحقیق موضوع جنایی، از اطلاعات موجود در پرونده بیمار استفاده می‌شود. گاهی بیمار مدعی می‌شود به او آسیب وارد شده است که در این صورت لازم است اطلاعات پرونده وی در اختیار دادگاه و قاضی و وکلای دو طرف دعوا، قرار بگیرد تا بتوانند بر اساس آن حکمی صادر کنند یا از حقوق موکل خود دفاع نمایند. در برخی موارد، بیمار در معرض اتهام واقع می‌شود که در این فرض نیز برای اثبات جرم یا بی‌گناهی بیمار، باید اطلاعات پرونده او، در دسترس دادرس و وکیل قرار بگیرد. جهت توضیح بیشتر به نمونه واقعی ذیل توجه فرمایید:

«زنی در کرمانشاه در حالی که با شوهر سابقش اختلاف داشت، به طور مرموزی به قتل می‌رسد. پس از اطلاع به پلیس قضائی، موضوع مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد و مشخص می‌شود که در زمان قتل، شوهر سابق وی در یکی از بیمارستانهای مشهد به علت بیماری بستری می‌شود. پس از ترخیص شوهر سابق و مراجعه به کرمانشاه بلافاصله به اتهام قتل زنش بازداشت می‌شود و به هنگام بازجویی وی این اتهام را رد می‌کند و پرونده بیمارستان را به عنوان شاهد و دلیل خود برای اثبات ادعایش مطرح می‌کند. مامورین به بیمارستان مورد نظر مراجعه

کرده و تقاضای بررسی پرونده وی را می‌نمایند که با توجه به مشخصات ثبت شده در پرونده و انطباق آن با مشخصات هویتی مرد، ثابت می‌شود که ادعای نامبرده مبنی بر عدم دخالت در قتل همسر سابقش حقیقت دارد و از نظر مامورین وی تبرئه می‌گردد.» (مرادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰) یکی از نهادهایی که در زمینه اثبات جرم یا تبرئه آن نقش مهمی ایفا می‌کند «سازمان پزشکی قانونی» است و تنها پزشکان این نهاد قانونی مجازند که در این زمینه گواهی برای اثبات جرم یا عدم آن صادر کنند. پزشکان این سازمان به حسب وظیفه قانونی خود مکلفند، جزئیات مورد نظر مراجع قضایی، برای اثبات جرم و ثبوت دیه یا قصاص را برای آنها تشریح کنند. (گودرزی، ۱۳۷۳، ص ۵۷)

۳-۲-۷. گواهی سلامت جسمی و روانی

یکی از مهمترین برنامه‌ها پیش‌گیری بروز بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار در هر کشور، انجام معاینات پزشکی جهت افراد شاغل است. در معاینات پزشکی پیش از استخدام اهداف ذیل دنبال می‌شود: اطمینان از سلامت جسمی و روانی برای کار مورد نظر (ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی)، حفظ سلامت سایر کارگران، حفظ صنعت و سرمایه و کشف بیماری‌های قابل سرایت کارگر و جلوگیری از انتشار آنها. (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۴۷) برخی در این باره گفته‌اند فقهاء اسلامی بر این نکته اتفاق نظر دارند که بر پزشک واجب است که موضوع بیماری خلبان را به مردم و مسئولان امر اطلاع دهد و بیماری خلبان مصروع را مخفی ننماید؛ زیرا این مسأله، جلب مصلحت جامعه و جلوگیری از فساد و تباهی است. (مبارک، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۷) مستند فقهی این حکم در ادله وجوب حفظ نفس محترم است که هم نقلی است و هم عقلی و هم سیره عقلاء بر آن دلالت می‌کند و همه علماء اسلام نیز بر وجوب حفظ نفس محترم تأکید دارند و آن را از ضروریات احکام اسلامی می‌دانند. (نصرالهی‌نیا، قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۴۵۳)

۳-۲-۸. دفاع پزشک از عملکرد خویش

از موارد دیگری که می‌توان قائل به توجیه افشاء اسرار بیمار شد، دفاع پزشک از

خود در محضر دادگاه است. گاهی ممکن است از پزشکی شکایت شود که در درمان بیماری فردی دچار تقصیر شده است و نتوانسته بیمار را درمان کند یا بر اساس تجویز او وضعیت بیمار به وخامت گرائیده و یا منجر به فوت او شده است. در این هنگام در صورت مراجعه بیمار یا وابستگان او به دادگاه و در خواست دادرسی و شکایت از پزشک، پرونده قضائی علیه پزشک شکل می‌گیرد. (گودرزی، ۱۳۷۳، ص ۶۰) پزشک معالج در دفاع از اتهامات وارده ناگزیر به بیان مطالبی است که افشای اسرار شاکی را در پی دارد. هر چند در این زمینه قانون خاصی وجود ندارد که به طور صریح پزشک را مجاز به افشاء اسرار بیمار در مقام دفاع از خود، نموده باشد؛ لکن حق دفاع یک اصل مسلم حقوقی است و پزشک حق دارد از خود در دادگاه دفاع کند، هر چند باید در دفاع از مصالح خود و تعهد به حفظ اسرار نوعی توازن ایجاد کند.

بر این اساس می‌تواند با بیان جزئیات پرونده بیمار و روند درمان وی و این که چه اقداماتی را برای بهبود وضعیت بیمار انجام داده است، خود را از اتهام تبرئه کند. (قضایی، ۱۳۷۳، ص ۲۰)

۳-۲-۹. اهداف آموزشی و تحقیقاتی

مورد دیگر جایی است که اطلاعات بیماران در اختیار محققان قرار می‌گیرد و نام و مشخصات وی هم در پرونده درج شده تا بتوان با شناسایی مشخصات بیمار، هویت اصلی بیمار را کشف کرد. در این صورت افشای اسرار بیماران دارای حکم اولیه حرمت می‌باشد ولی اگر بیمار راضی باشد یا تحقیقاتی مهم پزشکی بسته به این نوع اطلاعات باشد، به دلیل تزامم ملاک اهم با مهم می‌توان قائل به جواز اسرار بیماران شد. نمونه بارز این مورد در دوره‌های آموزشی بالینی مشهود است (ر.ک: لاریجانی و همکاران، ۱۳۸۳، دوره ۴، ص ۶) که پزشکان در کسوت استادی، پرونده پزشکی بیماران را در اختیار دانشجویان کارآموزی قرار می‌دهند که می‌خواهند مدارج تکمیلی خود را طی کنند. تعارض بین اولویت های آموزش علوم پزشکی و مراقبت از بیمار و حفظ حریم خصوصی وی از مشکلات قابل طرح در این فرایند است، زیرا در این عرصه باید اصول اخلاقی «احترام به فرد، سود رسانی، عدالت و عدم زیان رساندن»، مد نظر قرار گیرد. (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۳، شماره ۲۷، ص ۱۱۵) بر همین اساس

باید قوانین گروههای آموزشی و حفظ منافع بیمار را برای او بیان کنند تا ضمن احترام به حقوق بیمار، در روند آموزش پزشکی آسیبی به وی وارد نشود. (لاریجانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۱) اگر بیماران بعد از اطلاع کامل از چگونگی این دوره‌ها و منافع و مضار احتمالی آن حاضر به همکاری شدند، افشای سر بیمار در محدوده آموزشی بیمارستان مجاز است. نکته چالشی در صورتی است که بیمار راضی به این کار نباشد؛ ولی به علت مصلحت زیادی که آموزش دانشجویان دارد، وی را مجبور به حضور در این دوره‌ها کرد که چنین فرضی نادر است ولی در صورت اتفاق این مورد و دارا بودن مصلحت اقوائی که عقلا اهمیت آن را تأیید می‌کنند، می‌توان حکم به افشای اسرار بیماران نمود.

نتیجه‌گیری

محرمانگی اسرار بیماران یکی از موضوعات حریم خصوصی محسوب می‌شود که از آن به عنوان اصل بنیادین در حوزه اخلاق و فقه پزشکی یاد شده و می‌توان ادله گوناگون قرآنی و روایی و عقلی در راستای اثبات آن مطرح کرد. با این وجود می‌توان مواردی را در شریعت و قانون یافت که بر اساس آن و در راستای رعایت و حفظ مصالح مهمتر، به ناچار باید از این قاعده مسلم و قطعی دست کشید. این بحث در زمره مباحث تزاحم اصول فقه قرار می‌گیرد که در هنگام تنافی دو حکم در مرحله امتثال، طرف دارای اهمیت بیشتر و حائز ملاک اقوی، ترجیح داده می‌شود. بر اساس رعایت مصلحت مهم و ملاک اقوی در ترجیح دو حکم متزاحم، هر جا مصلحت آشکار کردن اسرار بیماران اهمیت بیشتری از کتمان آن داشته باشد و شرع و عقل هم بر کشف و درک چنین مصلحتی صحه گذارند، می‌توان قاعده حفظ اسرار بیمار را تخصیص زد. با این نگاه می‌توان به موارد متعددی دست یافت که گاه مصلحت شخصی و گاهی عمومی و اجتماعی بر مصلحت حفظ اسرار بیماران غلبه می‌کند تا جایی که در بیشتر موارد برای از بین نرفتن مصالحی که مقبول شرع و عرف است لازم و ضروری است اصل رازداری، رعایت نشود. در میان این موارد می‌توان به موضوعاتی از قبیل جلوگیری از سرایت بیماری واگیر، ضرورت مشورت دادن، آزمایش‌های قبل از ازدواج اشاره کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی اصیبعه احمد بن القاسم (بی تا). *عیون الانباء فی تاریخ الاطباء*. بیروت: دار مکتبه الحیاة.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب* علیه السلام. قم: علامه.
۳. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر - دار صادر.
۴. استرآبادی، محمدامین، سید نورالدین الموسوی العاملی (۱۴۲۶ق). *الفوائد المدنیة و بذایه الشواهد المکیة*. محقق: رحمتی اراکی، رحمت الله، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. اسلامی تبار، شهریار (۱۳۷۸ش). *مجموعه کامل قوانین و آیین نامه های کیفری امور پزشکی*. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی سیمیا.
۶. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸ق). *نهایة الدراية*. بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۷. انصاری، باقر (۱۳۸۶ش). *حقوق حریم خصوصی*. تهران: سمت.
۸. انصاری (شیخ انصاری)، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۹. _____ (۱۴۲۸ق). *فرائد الأصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۰. آقابابایی، حسین (۱۳۹۶ش). *حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. آل شیخ مبارک، قیس بن محمد (۱۴۱۸ق). *التداوی والمسئولية الطبية في الشريعة الاسلامية*. بیروت: مؤسسة الريان.
۱۲. بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهية*. تحقیق: مهدی مهریزی، محمدحسین درایتی، قم: نشر الهادی.
۱۳. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. البیهقی، أبو بکر أحمد بن الحسین الخسروجردي (۱۴۲۴ق). *السنن الكبرى*. محقق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. پارسا، مجتبی (۱۳۸۸ش). *حریم خصوصی و رازداری در پزشکی و جنبه های مختلف آن*. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۸.
۱۶. تبریزی، جواد (۱۴۲۶ق). *صراط النجاة*. قم: دار الصدیقة الشهيدة.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸ش). *مبسوط در ترمینولوژی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.

۱۸. جمعی از پزشکان (۱۳۷۰ش). اخلاق پزشکی. تهران: معاونت امور فرهنگی وزرات بهداشت درمان و آموزش پزشکی کشور.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
۲۰. حائری، سید علی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۲. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة على مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۳. حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۴. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). محاضرات فی اصول الفقه. مقرر: محمد اسحاق فیاض، قم: دار الهادی للمطبوعات.
۲۵. _____ (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۲۶. _____ (۱۴۱۲ق). مصباح الفقاهة. بیروت: دار الهادی.
۲۷. دلاوری، محمدحسین (۱۳۹۳ش). مسئولیت مدنی ناشی از افشای اسرار پزشکی در حقوق ایران و کامن لاو. تهران: نشر وکالت.
۲۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۲ق). الذریعة الى مکارم الشریعة. محقق: ابوالیزید العجمی، قم: الشریف الرضی.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۹۲، شماره ۲۵۶۲۳.
۳۱. زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۳۲. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. محقق / مصحح: سید مهدی رجایی، قم: دار القرآن الکریم.
۳۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
۳۴. _____ (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۳۵. _____ (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۳۶. العالم، یوسف حامد (۱۴۲۱ق). المقاصد العامة للشریعة الإسلامية. القاهرة: دارالحديث.
۳۷. عاملی، محمد بن مکی (بی تا)، القواعد و الفوائد، محقق / مصحح: سید عبد الهادی حکیم، قم: کتابفروشی مفید.
۳۸. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

۳۹. عباسی، محمود (۱۳۸۲)، *افشاء اسرار بیماران*، تهران: نشر حقوقی.
۴۰. عبدالملکی، محمدرضا؛ افشار، لیلا؛ مؤمنی، صدیقه، *مروری بر تعارض حقوق دانشجو و بیمار در آموزش بالینی*، فصلنامه اخلاق پزشکی سال هشتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۱۵ - ۱۲۷.
۴۱. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، *فقه و مصلحت*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۲. الغزالی، محمد بن محمد (۱۳۶۴)، *المستصفی من علم الأصول*، قم: منشورات الرضی.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۴۴. فوزی، خلیل (۱۴۲۴ق)، *المصلحة العامة من المنظور الإسلامي*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴۵. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (۱۴۰۵ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: مؤسسة دار الهجرة.
۴۶. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵)، *فقه درمان*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۷. قجه بیگلر، جعفر (۱۳۹۰)، *مجموعه قوانین و مقررات بهداشتی*، تهران: انتشارات کیاجور.
۴۸. قزوینی، سید علی موسوی (۱۴۲۴ق)، *ینایع الأحکام فی معرفة الحلال والحرام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۹. قضایی، صمد (۱۳۷۳)، *پزشکی قانونی*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵۰. قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۱. کاتوزیان، ناصر و دیگران (۱۳۸۵ش)، *حکومت قانون و جامعه مدنی*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵۲. کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۰ق)، *شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر*، بی جا: مؤسسه کاشف الغطاء - الذخائر.
۵۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۴. گودرزی، فرامرز (۱۳۷۳ش)، *پزشکی قانونی*، تهران: انتشارات انیشتین.
۵۵. لاریجانی، محمدباقر (۱۳۸۳ش)، *پزشکی و ملاحظات اخلاقی*، تهران: برای فردا.
۵۶. لاریجانی، باقر؛ غفوری فرد، سوده؛ زاهدی، فرزانه، «ملاحظات اخلاقی در آموزش بالینی پزشکی»، *مجله دیابت و لیپید ایران*، ویژه نامه (اخلاق در پژوهش های بالینی پزشکی)، دوره چهار، شماره ویژه نامه، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۰۵ - ۱۰۹.
۵۷. مرادی، غلامرضا (۱۳۸۲)، *ابعاد جدید مدیریت اطلاعات بهداشتی - درمانی*، تهران: واژه پرداز.
۵۸. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۳ق)، *اصول الفقه*، قم: موسسه النشر الاسلامی.

۵۹. ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹ش)، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم: عالمه.
۶۰. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۱. نراقی، احمد (۱۴۱۷ق)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶۲. نصرالهی نیا، عمّار؛ قاسمی، محمد علی (۱۳۹۹ش)، محرمانگی اسرار بیماران، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۶۳. واسطی حسینی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح: علی شیری، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

